



سخنان ملاصدرا با برساخت‌گرایی سازگار است

محمد لنگنهاوزن در سلسله نشست‌های دین و اخلاق که از سوی دانشگاه قرآن و علوم حدیث و با همکاری دانشگاه قم برگزار می‌شود با عنوان «ملاصدرا و برساخت‌گرایی در اخلاق» به ایراد سخنرانی پرداخت.

محمد لنگنهاوزن در سلسله نشست‌های دین و اخلاق که از سوی دانشگاه قرآن و علوم حدیث و با همکاری دانشگاه قم برگزار می‌شود با عنوان «ملاصدرا و برساخت‌گرایی در اخلاق» به ایراد سخنرانی پرداخت.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد لنگنهاوزن در ابتدای این نشست به توضیح برساخت‌گرایی اخلاقی پرداخت و گفت: ادعای من در پایان این جلسه این است که خیلی از سخنان ملاصدرا با برساخت‌گرایی سازگار است و با مباحثی که در برساخت‌گرایی هست بهتر می‌توانیم معنویت و اخلاق در ملاصدرا را درک کنیم.

لنگنهاوزن با بیان اینکه برساخت‌گرایی اخلاقی هم در فرا اخلاق و هم در اخلاق هنجاری مطرح می‌شود، گفت: برساخت‌گرایان در اخلاق هنجاری می‌گویند ملاکی داریم برای حکم اخلاقی که با ملاک وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی متفاوت است. اما اکثر بحث‌های برساخت‌گرایی که امروزه در جریان است در حوزه ی فرااخلاق است.

عضو هیأت علمی موسسه امام خمینی(ره) افزود: می‌توان برساخت‌گرایی اخلاقی را چنین تعریف کرد که یک نظریه است که طبق آن هنجارهای اخلاقی بر اساس دیدگاه یا موضع‌گیری اخلاقی پیدا می‌شوند به عبارت دیگر وقتی درست متوجه شویم که فاعل اخلاقی چه کسی است و در چه چارچوبی وظایف اخلاقی اش را انجام می‌دهد هنجار اخلاقی نمایان می‌شود.

وی در توضیح برساخت‌گرایی اظهار داشت: اصطلاح برساخت‌گرایی را جان رالز مطرح کرد و او هم به کانت نسبت داده است. برساخت‌گرایی نگرشی است که میان بحث‌های دو نگرش واقع‌گرایی اخلاقی و ابراز‌گرایی اخلاقی مطرح می‌شود و برساخت‌گرایان می‌گویند ما مثل ابراز‌گراها معتقدیم در اخلاق لازم نیست فرض کنیم واقعیت اخلاقی مستقل از ما وجود داشته دارد و از این جهت که باورهای اخلاقی می‌توانند صادق و کاذب باشند مانند واقع‌گرایان اخلاقی هستند. اما خود را در مورد واقع‌گرایی یا غیر واقع‌گرایی بی‌طرف می‌دانند.

عضو هیأت علمی دانشگاه قم افزود: برساخت‌گرایی نظریه‌ای گسترده است که به سختی می‌توان میان انواع آن اشتراکی بیان کرد، اما من اشتراکی را میان همه برساخت‌گرایان پیدا کردم این است که اصول پایه‌ای اخلاق بر اساس فعالیت اخلاقی است. اگر متوجه شویم فاعل اخلاقی کیست می‌توان از او اصول اخلاقی را در آورد. البته این به نسبی‌گرایی منجر نمی‌شود چون می‌گویند باید به چارچوب تصمیم اخلاقی توجه کنیم و از این اصول اخلاقی را استنباط کنیم. برساخت‌گرایی را می‌توان بر اساس سه شاخه تعریف کرد؛ متافیزیکی، معرفت‌شناسی و ... تقسیم کرد. به نظر من مهم‌ترین بُعد کار برساخت‌گراها معرفت‌شناسی است که چه طور توجیه کنیم چه کاری خوب یا بد است و چه کاری را باید یا نباید انجام دهیم.

وی ادامه داد: اگر به سنت‌های فلسفه اسلامی نگاه کنیم معرفت اخلاقی از نظر مسلمانان با چه نظریه‌ای سازگار است؟ از سه جریان مهم فکری اخلاقی در میان مسلمانان می‌توان نام برد؛ معتزله، اشاعره و فیلسوفان. هدف فیلسوفان حسن و قبح نبود بلکه کسب فضیلت بود. موضوعی که بین هر سه جریان فکری مشترک است زهد است که معتقدند اگر کسی واقعاً می‌خواهد اخلاقی شود باید سختی و ریاضت تحمل کند، چون هدف این است که کسب فضیلت کند ولی در زهد کسب معرفت اخلاقی هم هست این دیدگاه برای هر سه جریان فکری مسلمانان وجود دارد، اما ملاصدرا می‌گوید کلید رسیدن به سعادت درک نفس است. آدمی باید ریاضت بکشد تا خودش را خوب درک کند و وقتی عقل درست درک کند، صراط مستقیم را پیدا می‌کند. البته این خود نفس که پاک شده، صراط مستقیم است. این صراط یک واقعیت اخلاقی دینی مستقل از نفس نیست بلکه خود نفس صراط است.

این استاد فلسفه تصریح کرد: این جا دو عنصر مهم برساخت‌گرایی نمایان می‌شود: وقتی در حکمت عملی تعقل می‌کنیم به معرفت اخلاقی دست پیدا می‌کنیم، و مبنای حقایق اخلاقی حکمت عملی است. یکی از منابع مهم صدرا در اخلاق رساله سه اصل است که در مورد سه ریشه بدی‌ها بحث می‌کند: جهل نسبت به خود، دنیا پرستی، خود فریبی. رذیلت‌هایی که ملاصدرا معرفی می‌کند رذیلت‌های عقلی هستند و این رذیلت‌های اخلاقی نتیجه مشکلات معرفت‌شناختی است. یکی از دلایلی که می‌توان گفت ملاصدرا برساخت‌گرا هست این است که در بحثی که ایشان در مورد سه رذیلت دارد می‌خواهد نشان دهد کسی نمی‌تواند فاعل کامل شود وقتی یکی از این سه رذیلت را دارد. و این که موانع مانع می‌شود که فرد بتواند تصمیم‌گیری

وی در ادامه گفت: کاری که بنده در نوشته هایم کردم این بود که اول بررسی کردم بحث ملاصدرا در مورد معرفت نفس و جهل نسبت به نفس، و سعی کردم نشان دهم که چه طور ملاصدرا اشاره می کند که آن ها که این رذیلت ها را دارند در تصمیم اخلاقی دچار اشکال می شوند یعنی در فاعل بودن آن ها تأثیر می گذارد و نمی توانند فاعل واقعی شود. ملاصدرا در تمام بحث های اخلاقی اش نمی گوید این فعل خوب است بلکه می گوید به انسان نگاه کنید و ببینید چه چیزی لازم است تا مزاج معنوی تنظیم شود که درست کار کند.

وی در پایان اظهار داشت: ملاصدرا هم مثل ارسطو قلمرو اراده ما را قلمرو عقل عملی تعریف می کند، عقل عملی صرفاً ابزار برای تصمیم گیری نیست بلکه راهنمایی برای زندگی اخلاقی است که چه طور می توانیم از رذیلت ها آزاد شویم و چه طور می توانیم به فضیلت و معرفت برسیم، جهتی که به زندگی مان می دهیم از فعل های جزئی مهم تر است و با این جهت ها به سیرو سلوک و سفر معنوی می رسیم و آن مرحله از دنیا بالاتر است که فقط انفعالی است. و این تأکید ملاصدرا در مورد ابعاد فاعلی نفس برای پیدا کردن جهت معنوی و جلو رفتن در سفرهای به طرف خدا کلیدهایی هستند که به نظر من می توان گفت یک بر ساخت گرایی اخلاقی متعالی صدرا بی است.